

حقوق غیرمالی زنان در اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی

منیره اخوان

چکیده

محرومیت زنان از حقوق بشری‌شان در طول تاریخ یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوق بشری بوده است. در این میان حقوق غیرمالی زنان بسیار مورد غفلت واقع شده است تا جایی که هنوز هم از بسیاری از حقوق از جمله حق تعلیم و تربیت، حق صحت، حق ملکیت، حق کار، حق آزادی در ازدواج و ... محروم هستند. حقوق غیرمالی زن در اسلام یکی از مباحث عمده و قابل تأمل در جامعه‌ی اسلامی بوده و دیدگاه‌ها و نظریات متعدد و حتی در مواردی متناقض نسبت به هم از سوی علماء و محققان اسلامی در این مورد مطرح بوده است. در واقع می‌بایست زنان به عنوان نیمی از پیکره‌ی جامعه‌ی انسانی از حقوق و امتیازات مساوی و برابر با مردان در زندگی اجتماعی و خانوادگی برخوردار بوده و هیچ تفاوت یا تمایزی بین زن و مرد در حقوق و امتیازات

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی وجود ندارد، اما آنچه را که بیشتر علماء می‌پذیرند و مستندات قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند، نظریه‌ی تساوی زنان و مردان در تمام زوایای زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که خوشبختانه در شرایط کنونی به عنوان یکی از مباحث مطرح در این زمینه توسط علماء و دانشمندان اسلامی مورد توجه و دقت قرار دارد.

کلیدواژه

حقوق زنان، حقوق بشر، حقوق غیرمالی، اسلام، اسناد بین‌المللی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین، عبارت است از حقوق و تکالیفی که هر یک از زوجین از قبل نه مالی را به دست می‌آورد و نه مالی را از دست می‌دهد؛ بلکه این حقوق و تکالیف صرفاً دارای جنبه‌ی معنوی می‌باشد. همچنین بدیهی است، هر چیزی که برای یکی از زوجین حق به حساب می‌آید، برای طرف دیگر تکلیف محسوب می‌شود. هم‌اکنون در جامعه‌ی بین‌المللی یکی از مسائل مهم و مورد توجه مسئله‌ی حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. این احساس مخصوصاً در بین بسیاری از زنان وجود دارد که در طول تاریخ به زنان که بخشی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، ستم شده و حقوق و شأن انسانی آنها رعایت نشده است. در قرون اخیر، تلاش‌های زیادی در جهت تثبیت فرهنگ تساوی حقوق بین زن و مرد و رفع نگرش تبعیض‌آمیز در عادات و رسوم و قوانین صورت گرفته است و اسناد بین‌المللی متعددی در این زمینه تدوین و امضاء و به تصویب رسیده است. (خادم ازغدی، ۱۳۹۰: ۴) در حقوق اسلامی راجع به تقسیم وظایف زوجین تفاوت‌هایی دیده می‌شود که نه تنها خاستگاه تبعیض ندارد؛ بلکه در نظام قانونگذاری کاملاً مستند بر مبانی خاص است و قابلیت تأمل و توجیه عقلایی دارد و دقت و تیزبینی تام شریعت را بر پایه حکمت و عدالت و رأفت و رحمت در گستره حقوق خانواده روشن می‌سازد و خود بیانگر وجود تناسب بین عالم شریعت و طبیعت و فطرت است. امروزه یکی از علل مهم فروپاشی خانواده‌ها بی‌اطلاعی از وظایف و حقوق متقابل زوجین و سستی در ادای آنها است. از این رو، تقویت نهاد مقدس خانواده جز با شناخت و ادای حقوق و



تکالیف اعضای آن محقق نخواهد شد. حقوق موجود در روابط خانوادگی شامل دو دسته‌ی حقوق مالی و حقوق غیرمالی است. حقوق غیرمالی حقوقی است که قابل تقویم به پول نباشند، همچون حق حسن معاشرت، حق مضاجعه، حق منع از اشتغال و موارد این‌چنینی که بخشی از این حقوق مختص زوج، برخی مختص زوجه و برخی مشترک بین زوجین است. با این حال با توجه به نقش زنان در نهاد خانواده، حقوق مربوط به زنان مهم‌تر جلوه می‌کند. در این میان، حقوق غیرمالی در مقایسه با حقوق مالی از اهمیت و نقش بیشتری برخوردار است، ولی متأسفانه از آن غفلت شده یا کمتر به آن پرداخته شده است. به طوری که هرگاه سخن از حقوق ناشی از عقد نکاح به میان می‌آید، مهریه، نفقه و حقوق مالی از این قبیل به ذهن متبادر می‌گردد و این امر از آن رو است که در آثار بیشتر اساتید، نویسندگان و محققین به حقوق مالی زوجین نسبت به یکدیگر توجه شده است. این در حالی است که در نهاد خانواده، این حقوق نسبت به حقوق غیرمالی از آثار و نتایج کمتری برخوردارند. مهم‌تر اینکه منشأ و ریشه‌ی بسیاری از اختلافات زوجین، رعایت نکردن حقوق غیرمالی ایشان نسبت به یکدیگر است، اگرچه مسائل مالی جایگاه خود را دارند، اما با توجه به طبیعت خانواده و از آنجایی که در این نهاد حقوق در خدمت اخلاق بوده و اخلاق مقدم بر حقوق است، رعایت حقوق غیرمالی زنان می‌تواند، نقش چشم‌گیری در تقویت این نهاد ایفا کند. (حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۶) لذا در نوشتار حاضر سعی شده حقوق غیرمالی زنان، در اسناد بین‌المللی و قوانین اسلامی، مورد تبیین و شناسایی و بازنگری قرار گیرد. سؤال مطرح شده این است که زنان از چه حقوق و تکالیف غیرمالی برخوردارند؟

۱. مفهوم شناسی حقوق غیرمالی

حق غیرمالی: حق غیرمالی امتیازی است بدون ارزش داد و ستد که به طور مستقیم به پول مبادله و ارزیابی نمی‌شود، مانند: زوجیت، ولایت و یا حضانت. موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص و هدف آن مشارکت در بنای جامعه و همچنین رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. حقوق غیرمالی اسقاط‌شدنی و انتقال‌پذیر نبوده و به خودی خود نیز زائل نمی‌شوند. حقوق مربوط به شخصیت و روابط خانوادگی مانند: حق ابوت، بنوت، حضانت و ولایت به دیگری واگذار نمی‌شوند و در زمره‌ی احکام هستند. وضعی است که قانون به وجود آورده و به گونه‌ای امری اداره می‌کند. به همین جهت به کار بردن واژه‌ی حق درباره‌ی آنها رسمی است که بدون مسامحه نباید پذیرفت. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۱۱)

۲. حمایت از زنان در چارچوب اسناد و معاهدات بین‌المللی

۲-۱ منشور ملل متحد

منشور ملل متحد در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد درباره تشکیل یک سازمان بین‌المللی به امضاء رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم‌الاجرا گردید. این منشور به حقوق اساسی بشر، حیثیت، ارزش و شخصیت انسانی و همچنین به تساوی حقوق زن و مرد تصریح می‌کند. این منشور در ماده‌ی هشتم به عدم محدودیت زنان مساوی با مردان می‌گوید: سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود هیچ‌گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد. سند مذکور در بند «ب» ماده سیزدهم و بند «ج»

ماده‌ی پنجاه و پنجم به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از نظر جنس پرداخته، چنین بیان می‌کند. ب. ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب. ج. احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب. بدین سان، دید تبعیض جنسیتی را ملغی اعلام می‌کند. منشور ملل متحد به منظور تأمین حقوق بشر مکانیزم‌هایی را پیش‌بینی می‌کند. بدین منظور در بند دوم ماده‌ی ۶۲ منشور اعلام می‌کند: «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی کند.» همچنین کمیسیونی را تحت نام کمیسیون حقوق بشر پیش‌بینی کرده، می‌گوید: «شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون‌هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر همچنین هرگونه کمیسیون‌های دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد، تأسیس می‌کند.» در بند ج ماده‌ی ۷۶ نیز، جهانی بدون تبعیض جنسی را مد نظر قرار گرفته و اظهار می‌دارد: «تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمندند.»

۲-۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است و این اعلامیه حقوق ذاتی انسان‌ها را به رسمیت شناخته است. این اعلامیه در مقدمه‌اش به حقوق اساسی



بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق زن و مرد که در منشور ملل متحد مطرح شده است کشورهای عضو را در این اعلامیه تعهد می‌کنند که در محیطی آزاد وضع زندگی بهتری به وجود آورند. از آنجا که دول عضو، متحد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند. این اعلامیه در ماده‌ی نخست، به برابری تمام انسان‌ها از لحاظ حیثیت و حقوق تصریح کرده است و می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» اعلامیه‌ی نفی تبعیض بر مبنای جنسیت را تصریح می‌کند و اشعار می‌دارد: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه‌ی آزادی‌هایی که در اعلامیه‌ی حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.» همچنین ماده‌ی هفتم اعلامیه‌ی زندگی بدون تبعیض جنسیتی را اعلام داشته می‌گوید: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند. این اعلامیه در ماده‌ی ۱۶ محدودیت جنسیتی را در امر زناشویی و مکلفیت‌های قانونی آن ملغی شمرده، تصریح می‌کند: «۱- هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با هم دیگر زناشویی و هنگام انحلال آن زن و شوهر در

کلیه‌ی امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند. ۲- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. همچنین اعلامیه به تأمین شرایط منصفانه و رضایت‌بخش کار، نفی تبعیض در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی و مزد منصفانه تأکید می‌کند و اعلام می‌کند هرکس حق دارد کار کند. کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد و همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند و هرکس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذی‌حق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل کند.» بند اول ماده‌ی ۲۵ اعلامیه به حق خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی در مراحل مختلف زندگی مانند: بیکاری، نقض عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده‌ی انسان وسایل امرار معاش از بین رفته باشد. از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود و همچنین مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند.

۲-۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه‌ی A ۲۲۰۰ که در تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۷۶ قدرت اجرایی یافت. یک سند تکلیف‌آوری است که دولت‌های عضو این میثاق تعهد می‌کنند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره‌مندشدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود. همچنین این سند تبعیض انحصاری را

پیش‌بینی کرده است، می‌گوید: «کشورهای عضو این میثاق در زمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید می‌کند و وجود آن پیشامد به طور رسمی اعلام شده است، می‌توانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آن را بنا بر وضعیت و مقتضیات به عمل آورند. مشروط بر اینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین‌الملل خود نباشد و نیز تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشأ مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.» میثاق مذکور، حق آزادی ازدواج را یک حق مسلم زن و مرد می‌داند. این میثاق، تصریح می‌کند که تمام افراد در مقابل قانون برابرند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت و حمایت مساوی در مقابل قانون می‌باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظت‌ها و حمایت‌های مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله‌ای مانند: نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد (نسب) یا هر وضعیت دیگری تضمین کند.

۲-۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است و طبق این میثاق، کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع عادلانه و مساعد کار را به رسمیت می‌شناسند. این میثاق دول عضو را متعهد می‌کند به اینکه خانواده که عنصر طبیعی و اساسی جامعه است، باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد. به ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را به عهده

دارد و ازدواج باید با رضایت آزادانه‌ی طرفین که قصد آن را دارند، واقع شود و مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند و تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه‌ی اطفال غیرمميز و ممیز بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیرمميز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند و واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان‌آور است یا زندگی آنها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، باید به موجب قانون قابل مجازات باشد. میثاق مذکور اشعار می‌دارد که کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند و همچنین کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را اذعان و قبول دارند. طبق مفاد ماده‌ی ۱۳ همین میثاق، کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و تکیه می‌کند به نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. (پیام، ۱۳۹۳)

۳. حقوق غیرمالی در قانون اساسی ایران

قانون مدنی الزام به حسن معاشرت، معاضدت و همکاری در تشدید مبانی خانواده را تکلیف مشترک زوجین قرار داده است و اساتید حقوق شرط وفاداری را نیز به آن افزوده‌اند. سپس به ریاست خانواده و تبعات مالی آن پرداخته شده است.

۳-۱ حسن معاشرت

مطابق ماده ۱۱۰۳: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» حسن معاشرت یکی از تکالیف مشترک زن و شوهر است که این حسن سلوک بر اساس روابط معروف، پایه‌های زندگی را تشکیل می‌دهد و این همان اصلی است که قرآن کریم در آیات متعدد با بیان شیوا بر آن تأکید می‌کند. به طور کلی حسن معاشرت مفهومی قرآنی است که از آیه شریفه‌ای از سوره نساء و از عبارت (عاشروهن بالمعروف) گرفته شده است؛ یعنی با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت کنید و با آنها به نیکی رفتار کنید. (عظیم‌زاده اردبیلی، محمدی‌آرانی، ۱۳۹۱: ۸۰) اولین تکلیف در رابطه بین زن و شوهر، حسن معاشرت است که نقش بسیار مهمی در رابطه زوجین و استحکام خانواده ایفا می‌کند. زن و شوهر از دو خانواده متفاوت هستند و ممکن است بین آنها اختلاف نظر پیش بیاید. در این حالت هر دو طرف باید با هم سازگار و مهربان باشند. در معنای حسن معاشرت نوشته‌اند: «عبارت حسن معاشرت مقابل سوء معاشرت، به معنی نیکویی رفتار و کردار زوجین در برقراری حقوق متقابل یکدیگر است. استقرار مودت، رحمت، تربیت فرزندان صالح و بقای خانواده نوع خاصی از رفتار زوجین نسبت به یکدیگر را طلب می‌کند که در اصطلاح به آن حسن



معاشرت گفته می‌شود؛ لذا هرگونه عملی که موجب القای تشویش و نگرانی، اضطراب و نابه‌سامانی، غم و اندوه، کینه و نفرت در محیط خانه و خانواده باشد، مذموم و مطرود است.»

۳-۲ معاضدت و همکاری در تشیید مبانی خانواده

مطابق ماده ۱۱۰۴: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت کنند.» منظور ماده این است که زن و شوهر باید در کلیه امور مربوط به زندگی مشترک، با هم همکاری و همیاری داشته باشند. مراد از تشیید مبانی خانواده، تلاش زن و مرد در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی زن و مرد به یکدیگر است. به گونه‌ای که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد مختلف یکی شدن، وحدت و در نتیجه استحکام پیوند زناشویی حاصل شود. همچنین می‌توان گفت مبانی خانواده که قانون زن و شوهر را مکلف کرده در تحکیم و تشیید آن بکوشند، اموری است که خانواده بر پایه آن قرار گرفته و آن عبارت از عشق و علاقه زن و شوهر به یکدیگر است که نگهبان بقاء خانواده و موجب عفت و عصمت پرهیزکاری هر یک از زن و مرد می‌شود. زن و شوهر دارای دو فرهنگ و دو شخصیت متفاوتند؛ لذا اختلاف نظر بین این دو طبیعی به نظر می‌رسد. تعادل بین نظرات زن و شوهر هنگامی ایجاد می‌شود که این دو با گذشت و بردباری نسبت به یکدیگر که لازمه زندگی خانوادگی است، اختلاف نظرها را کنار گذاشته و به نظرات هم احترام بگذارند و با همراهی و همدلی هم به امور خانواده بپردازند. آرامش در زندگی مشترک هنگامی به وجود می‌آید که روابط زن و شوهر بر پایه‌های عاطفی، عقلایی و اخلاقی استوار گردد. به همین دلیل است که قانونگذار اولین و مهم‌ترین

وظایف زوجین را حسن معاشرت و همکاری قرار داده است. در مورد محدوده این معاضدت و همکاری نیز حقوقدانان عرف و مقتضیات زمان و مکان را ملاک دانسته اند.

۳-۳ وفاداری زن و شوهر

اگرچه در قانون مدنی صراحتاً نسبت به این وظیفه مشترک زن و شوهر بیانی نیامده است، اما اساتید حقوق سکوت قانونگذار را حمل بر بداهت و روشنی موضوع کرده اند. به نظر می رسد بداهت این مسئله برای هر مسلمانی روشن باشد و زشتی و قبح این عمل در فرهنگ اسلامی جایی برای تأکید در قانون مدنی باقی نگذاشته است. حقوق کامجویانه، وفاداری را فقط تعهدی برای زن می داند، اما در حقوق عاشقانه، این تعهد از هر دو جانب لازم الوفا است. با توجه به جریمه سنگینی که در حقوق جزا برای این نوع از تخلف وضع شده است، ارتکاب به آن فقط رد یک دستور اخلاقی در خانواده نیست، بلکه به عنوان تعدی به حدود الله علاوه بر عقوبت اخروی، حامل غرامت و حدی سنگین است. با وجود اینکه خانواده برای بقای خود نیازمند وفاداری و صمیمیت است، عدم وفاداری طرفین می تواند نظم عمومی را خدشه دار کند. به همین دلیل در قوانین کیفری برای رابطه نامشروع زن و مردی که همسر دارد، مجازات سنگینی وضع شده است. (مطابق ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه، رجم است.) قوانین ایران در ارتباط با امور خانواده نگاهی اخلاق گرا دارد. قانونگذار، وظیفه زن و شوهر می داند که با یکدیگر با مهربانی، سازش و صبوری رفتار کرده و در مورد مسائل زندگی با هم مشورت و همکاری کنند.

۳-۴ حق شغل زوجین

از آنجا که در روابط خانوادگی تنها حیثیت مشترک زن و مرد مطرح است. زن و شوهر باید شغلی انتخاب کنند که با مصلحت خانواده و حیثیت (آبروی) همسر شخص، مخالف نباشد. در مورد حق اشتغال زنان از دیدگاه فقه شیعه نیز نوشته‌اند: «مطلب عمده در زمینه اشتغال زنان از منظر فقه جعفری، حفظ جایگاه و منزلت زن است. در تفکر شیعی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. اسلام، اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌داند و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان در جهت تعالی و کمال آن‌ها می‌پذیرد و معتقد است اشتغال زن حتی المقدور در مشاغلی باشد که تناسب بیشتری با منزلت و جایگاه زن در جامعه دارد، مشاغلی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان. شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای باشد که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آن‌ها فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامت روحی، فکری و جسمی آن‌ها لطمه‌ای وارد نیاید. (فتحی، ۱۳۹۴)

۴. جایگاه حمایت از حقوق غیرمالی زنان در اسلام

یکی از عمده‌ترین شاخصه‌های کارآمدی یک نظام حقوقی، مبانی و اصولی است که اندیشه‌های حقوقی آن نظام بر آن استوار گشته است. اصول حاکم بر خانواده در نظام قانونگذاری اسلام نیز مبین حمایت‌های اصولی از حیثیت مالی و شخصیت زن است که به برخی از آنان در آیات قرآن کریم، اشاره می‌کنیم:



الف- اصل سکونت و آرامش که در آیه «لتسکنوا الیها» (روم، ۲۱) زوجیت و کانون گرم خانواده را منشأ و مولد این سکونت معرفی می‌نماید که در سایه صداقت، صفا و گذشت هر یک از زوجین زمینه‌ساز طمأنینه و آرامش دیگری می‌گردد.

ب- اصل مودت و رحمت که در آیه «و جعل بینکم موده و رحمه» (روم، ۲۱) که رشد عاطفی و عقلانی و نیز پایه‌های تکامل شخصیت اجتماعی از همین جا آغاز می‌گردد. زن و شوهر با تعامل دوستانه و همکاری در جهت تعالی و تکامل دو سویه با وجود تفاوت‌های طبیعی و ذاتی، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می‌آورند که زمینه‌ای مناسب برای ارتباط مسئولانه و ماندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راه‌اند، از آن الگو می‌گیرند و در روابط آینده‌شان با جامعه بدان می‌نگرند.

ج- اصل صلح و آشتی «و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح» (نساء، ۱۲۸) در این آیه به صراحت می‌فرماید: «مصلحت خانواده بر تنگ‌نظری‌ها و بخل‌ورزی و خودمحوری اولویت دارد و آشتی و دوستی و صفا در خانواده بهتر است.»

د- اصل تفضل و گذشت که قرآن در این باره می‌فرماید: «و ان تعفوا اقرب للتعوی و لا تنسوا الفضل بینکم» (بقره، ۲۳۷) گذشت و بزرگ‌منشی و اغماض دریچه برکات است که رعایت آن نه تنها متضمن مصالح خانواده است، بلکه حمایتی است برای رعایت حقوق غیرمالی طرفین در قبال یکدیگر.

ه- اصل عدم ضیق و ضرر «لا تضاروهن لتضیقوا علیهن» (طلاق، ۵) «هرگز بر همسرانتان ضرر وارد نسازید و آنان را در ضیق و فشار قرار ندهید.»

۴-۱ جانبداری برتر از حقوق

با نگرش به تعالیم اسلامی درمی‌یابیم که از زنان جانبداری‌هایی گسترده و اصولی شده است که بسیار متعالی‌تر از حق قانونی آنان است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود. در قرآن وقتی از پدر و مادر سخن به میان می‌آید، بر حقوق مادر تأکید بیشتری می‌شود و زحمات او را اینچنین بیان می‌فرماید: «و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهراً حتی اذا بلغ اشدّه» (احقاف، ۱۵) «ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم (یاد کند که) مادر (نه ماه چگونگی) با رنج و زحمت بار حمل کشید و با درد و رنج وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود (که تحمل رنج فراوان کرد) تا وقتی که طفل به حد رشد رسید.» همچنین در سوره لقمان پس از توصیه به رعایت حقوق والدین، درباره اهتمام در ارج نهادن و حرمت‌گذاری به مادر می‌فرماید: «و وصینا الانسان بوالدیه حملته امه و هنا علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکرلی و لوالدیک الی المصیر» (لقمان، ۱۴) «ما به انسان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر نیکی کن. به خصوص به مادر که چون بار حمل فرزند برداشته تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته هر روز بر رنج و ناتوانیش بیافزوده، بسیار نیکی و سپاسگزاری کن. نخست شکر من که خالق و منعمم و آن گاه شکر پدر و مادر به جای آور که بازگشت خلق به سوی من (و پاداش و نیک و بد خلق با من) خواهد بود.» در جایی دیگر از پیامبر نقل است که: «هنگام ادای نماز نافله اگر پدرت تو را صدا زد نماز را بر هم نزن، اما اگر مادرت تو را صدا زد، آن را بر هم بزن.» و یا سخن معروف ایشان که «بهشت زیر پای مادران است.»



در حدیث دیگری از پیامبر نقل شده که فرمودند: «آنکه به بازار رود و ارمغانی بخرد و به خانه ببرد، در تقسیم از دختران آغاز کند.» در اسلام به مساوات در همه زمینه های زندگی به خصوص در مورد فرزندان تأکید شده است، ولی در این کلام نبوی با نادیده گرفتن این اصل از دختران جانبداری بیشتری شده است و برخورد عاطفی با دختران و شفقت و مهربانی با آنان مورد لحاظ قرار گرفته است. امام رضا (ع) می فرماید: «خداوند به زنان مهربان تر از مردان است و هرکس زنی از خویشاوندان خود را شادمان کند، بی گمان خداوند در روز رستاخیز او را شاد سازد.» این سخنان همگی روشنگر منزلت والای مادری و زن بودن است و همگی نشانگر آن است که حمایت از زن در اسلام بیش از حقوق وی می باشد. این ملاک ها و معیارها با این همه ظرافت، عظمت و اصالت در هیچ مکتبی برای زن ارائه نشده است. (ترسلی، ۱۳۸۲: ۸۹)

۴-۲. قدردانی و تمجید از زحمات زن

باید گفت مرد با خودداری از سپاسگزاری و تمجید از همسر خود کانون خانوادگی را متلاشی می کند؛ در حالی که قدردانی سلاحی است که مرد با آن می تواند همسر خود را به هر جهتی که می خواهد سوق دهد و با نادیده گرفتن بدی ها و ترک سرزنش و تشویق بر کارهای خوب می تواند علاقه به کارهای خوب و پرداختن به اعمال شایسته را در او رشد دهد. زن بر حسب حساسیت خود تشویق را دریافت می کند و آن را به دست فراموشی نمی سپارد و می کوشد کارهایی انجام دهد که مستحق تمجید بیشتر باشد. همین مسئله در مورد همسران نسبت به شوهران نیز صادق است. تمجید و تشویق زن از شوهر تأثیر سحرانگیز دارد و چه بسا زنانی که از شوهرانشان قهرمان تاریخی ساخته اند.



۳-۴ مدارا با همسر

از امام صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «حق زن بر شوهر این است که او را سیر کند و او را بپوشاند و اگر لغزش و خطایی از او سر زد او را ببخشد.» و نیز رسول خدا می‌فرماید: «بهترین مردان امت من کسانی هستند که دست ستم به سوی خانواده خود دراز نکرده و به آنان احسان می‌کنند.» و امام سجاد (ع) فرموده‌اند: «حق همسر تو آن است که بدانی که خدا او را مایه آرامش و الفت تو قرار داده و این را از جمله نعمت‌های خدای بزرگ به شمار آوری و از این رو در رفتار خود با او مدارا کنی و احترام او را نگاه داری.» در سخنان پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) بارها توصیه به مدارا با زنان و رأفت با آنها شده است. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «جبرئیل چنان درباره زنان سفارش کرد که گمان کردم طلاق را تحریم خواهد کرد و فرمود با آنان خوش رفتاری کنید.»

۴-۴ قرآن و حسن معاشرت

در قرآن این توصیه گاهی به صورت اجمالی بیان می‌شود مانند آیه ۲۲۸ سوره بقره که می‌فرماید: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف»، «زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان» و گاه به صورت تفصیلی بیان می‌گردد مانند: «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان» (بقره، ۲۲۹)، «طلاق رجعی دو بار است پس از آن یا (باید زن را) به خوبی نگاه داشت یا به شایستگی رها کرد.» در آیه دیگر می‌فرماید: «و أتمروا بینکم بالمعروف» (طلاق، ۶)، «مشورت و سازش را بر پایه رفتار شایسته و نیکو مراعات کنید.» در سوره طلاق وقتی درباره قوانین زمان عده سخن به میان می‌آورد



می فرماید: «و اتقوا الله ربکم لا تخرجهن من بیوتهن و لا یخرجن الا ان یأتین بفاحشه مبینه و تلک حدود الله و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرأً» (طلاق، ۱)، «شما مردان در رفتار خانوادگی تقوای الهی پیشه سازید و هرگز همسرانتان را در ایام عده از خانه هایشان بیرون مکنید و خود ایشان هم بیرون نروند، مگر آنکه مرتکب فحشا شوند. این امور از حدود الهی است که باید مورد توجه قرار گیرد و کسی که در احکام و حدود تعدی کند. ابتدا به خود ظلم کرده است.» سپس در تأکید بر قوام خانواده و اهمیت عدم انحلال آن می فرماید: «لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ» که این مطلب به طور کنایی اهمیت آشتی زوجین و مطلوبیت آن را از منظر شارع بیان می کند. از موارد دیگر حسن معاشرت سکنا دادن زن است به گونه ای که موجب اذیت و آزار او نگردد و با حیثیت و شأنیت او منافات نداشته باشد؛ لذا در همان سوره طلاق می فرماید: «و اسکنوهن من حیث سکتتم من وجدکم و لا تضاروهن لتضیقوا علیهن» (طلاق، ۶) «آنها را در همان منزل خویش که خود سکنا دارید، سکنی دهید و به ایشان آزار و زیان نرسانید تا آنها را در مضیقه و رنج قرار دهید.» آنچه از آیات یاد شده به دست می آید، آن است که رعایت تقوی و حسن رفتار در خانواده موجب گشایش و توسعه زندگی است.

۴-۵ تأکید بر مشورت در خانواده حمایت از زوجه

در اسلام مشاوره به عنوان معیاری برای رشد، شناخت و گسترش بصیرت مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. همانطور که خداوند به عنوان اصلی کلی خطاب به پیامبر می فرماید: «و شاورهم فی الامر» (آل عمران، ۱۵۹) در آیاتی از قرآن به مشورت میان زن و مرد در خانواده نیز اهمیت داده شده است: «فان ارادا



فصلاً عن تراض و تشاور فلا جناح علیهما» (بقره، ۲۳۳) «اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مسئولیت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند، مرتکب گناهی نشده‌اند.» توجه به اصل قرآنی «تساور»، که به عنوان اصلی در خانواده مطرح گردیده است، مدیریت مشترک زن و شوهر را تبیین می‌کند. اگرچه کارهای خانه بر اساس تقسیم کار باید صورت گیرد؛ لیکن مدیریت کلی آن با رایزنی و همفکری مرد و زن است. در آیه دیگری در این زمینه می‌فرماید: «و اتمروا بینکم بالمعروف» (طلاق، ۶۰) «با یکدیگر به شایستگی و نیکی رایزنی و همدلی کنید.» برای جمله «اتمروا بینکم» سه معنا ذکر شده است:

۱- پذیرش گفته و امر یکدیگر آنگاه که گفته و دستوری نیکو باشد.

۲- هریک با نیکویی دیگری را فرا خواند.

۳- با هم مشاوره کنند.

در مجمع البیان معنای چهارمی نیز ذکر شده است که: «کار تربیت و تغذیه فرزند را با همکاری و تدبیر و شایستگی به انجام برید که عواطف مادری از میان نرود.» در هر چهار معنا، حد مشترکی وجود دارد و آن احترام به شخصیت زن و رایزنی با او و احترام به نظر او در مسائل مربوط به خانواده و فرزندان است. در واقع این آیات، تفکر غلط پدر سالاری یا مرد سالاری و تحمیل یک رأی و نظر و اعمال سلیقه را نفی می‌کند و زن و شوهر را به همدلی و هم رأیی ترغیب می‌کند؛ لذا در حقوق مدنی نیز ماده ۱۱۰۴ به این موضوع اشاره دارد که: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.»

۴-۶ حمایت های اخلاقی در حفظ کرامت زن

از دیدگاه اسلام زن در خانواده نقش محوری و مهمی را به عهده دارد که نقش حیاتی او در تربیت نسل، سامان بخشی به فکر و اعصاب افراد خانواده به عنوان کارگردانی توانمند که مبدأ تحولات در سرشت و سرنوشت ها می باشد، واضح و آشکار است. پس ایجاد کانونی گرم بر پایه مودت و رحمت به دور از خشونت، غضب، تمایلات و خواسته های نفسانی از جانب مرد لازم می باشد. آنچه از سیره و روایات معصومان به دست می آید، حاکی از آن است که هیچ گاه در خانه و خانواده و به بهانه های مختلف نمی توان به خشونت متوسل شد و فضای زندگی را به جهنم تبدیل کرد. سفارش های مکرر قرآن به مردان «عاشروهن بالمعروف» و سخنان معصومان بیانگر این است که زن، همسر و شریک زندگی است نه زیر دست ذلیل. چنانکه پیامبر گرامی اسلام فرمود: «ما اکرمهن الا کریم و ما اهانهن الا لثیم» «زنان را گرامی نمی دارند، مگر مردان کریم و به آنان اهانت نمی کنند، مگر مردان لثیم و فرومایه». سفارش های قرآن در حفظ کرامت زن حتی در آیات طلاق هم مشهود است، آنجا که می فرماید: «لا تمسکوهن ضاراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه» (بقره، ۲۳۱) اشاره به این مطلب دارد که: «حتی زنی را هم که طلاق داده اید تا پایان عده با آنان خوش رفتاری نموده به آنان آزار نرسانید؛ بلکه به نیکی عمل کنید، زیرا اذیت و آزار به آنان ظلم به حساب آمده مایه بدبختی خودتان خواهد شد.»

۴-۷ تأکید بر نفی خشونت بر زنان در قوانین اسلام

در تعالیم اسلامی همه اشکال خشونت بر همه انسان ها ممنوع و رعایت حال افراد و مدارا و سازش در روابط اجتماعی مورد تأکید فراوان قرار گرفته



است. حتی مراتب کمتر از خشونت یعنی هرگونه اعمال و رفتاری که باعث ناخشنودی دیگران شود، در اسلام عملی شیطانی شمرده شده است. با بررسی آیات و احادیث معصومان درباره زن به تأکید فراوان‌تری در دوری از اعمال خشونت و ضرر در قبال زنان برمی‌خوریم. خداوند می‌فرماید: «و لا یحل لکم ان تأخذوا مما آتیتموهن شیئاً الا ان یخافا الا یقیموا حدود الله» (بقره، ۲۲۹) «برای شما حلال نیست آنچه به ایشان داده‌اید (چه به عنوان مهریه و چه غیر آن) از آنان باز پس گیرید، مگر اینکه زن یا شوهر خوف رعایت نشدن حدود الهی را داشته باشند.» در این آیه مرد از هرگونه تعرض به اموال و تعدی به عرض و آبروی زن منع شده است. همچنین در آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید: «لا تضاروهن لتضیقوا علیهن»، «به ایشان آزار و زیان نرسانید که در مضیقگی و رنج افتند» بر این اساس قانونگذار اسلام دست مرد را از اعمال هر نوع بی‌عدالتی و وارد ساختن ضرر در قالب نهی و نفی می‌بندد و با بیان اصل گذشت در زندگی مشترک که می‌فرماید: «لا تنسوا الفضل بینکم» (بقره، ۲۳۷) «گذشت را هرگز در زندگی مشترک به فراموشی نسپارید.» بر فضایل اخلاقی و ترویج روش‌های پسندیده و مطلوب انسانی تأکید می‌کند. (همان، ۱۳۸۲: ۹۲)

نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه دین اسلام در خصوص حقوق زنان به ویژه بر حقوق غیرمالی تأکید فراوانی کرده است و در این باره سفارشات بسیاری بر مردان درباره حمایت از حقوق زنان در خانواده به عنوان مادر همسر و ... شده است. حسن معاشرت و رفتار شایسته مرد و حاکمیت و قوام بودن او بر اساس اصل مودت و رحمت و به دور از هرگونه خشونت و زورمداری عامل عمده ایجاد آرامش و امنیت در فضای زندگی خواهد بود. به طوری که بر دیگر اعضای خانواده نیز اثرگذار خواهد شد. از طرف دیگر رفتار شایسته مرد اساسی‌ترین عامل در ایجاد انقیاد، تمکین و اثرپذیری همسر است. در عصر حاضر برخی منتقدان و غرض‌ورزان مخالف دین با طرح مسئله تضييع حقوق زنان و خشونت علیه زنان از سوی اسلام سعی کرده‌اند با بزرگنمایی آن ادعاهای علیه اسلام بسازند و اسف‌بارتر اینکه عده‌ای نیز در پی انحراف از روش فهم متن آیات قرآن، بدان‌ها استناد جسته روش‌های نادرست و ناعادلانه را در مورد زن جایز شمرده، شخصیت زن را در خانواده و در محضر فرزندان پایمال می‌کنند. برخلاف ادعای برخی از مغرضان مخالف دین که خشونت علیه زنان را منحصر به کشورهای اسلامی می‌دانند، اعمال خشونت در زندگی میلیون‌ها زن در سراسر دنیا از طبقات مختلف اجتماعی با وضعیت اقتصادی و سطح تحصیلی متفاوت تأثیر گذاشته است. هدف دشمنان اسلام از طرح چنین مسائلی آن است که مسلمین را از درک عمیق مسائل اسلام بازدارند و دین را محدود به عبادات نمایند، آن هم به صورت ظاهری، بی‌روح و یا ناقص و ناکارآمد جلوه دادن احکام اسلامی در اداره امور زندگی، هویت فرهنگی را از جامعه مسلمین سلب کنند و با طرح «نظم نوین جهانی» و «جهانی‌سازی فرهنگ» و امثالهم بر توسعه سلطه و فرهنگ بیگانه بیفزایند.

منابع

- ۱- پیام، علی (۱۳۹۳) حقوق غیرمالی زنان در اسناد بین‌المللی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- ۲- ترسلی، زهرا (۱۳۸۲) فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۲۹.
- ۳- حاتمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۲) حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین در قبال یکدیگر و بازنگری آن، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم سیاسی، کارشناسی ارشد.
- ۴- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ محمدی‌آرانی، اکرم (۱۳۹۱) نقش عرف در تفسیر حقوق غیرمالی زوجین، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره بیست و نهم.
- ۵- فتحی، مهوش (۱۳۹۴) حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین در قانون، مهرخانه.
- ۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) حقوق اموال و مالکیت، چاپ چهاردهم، نشر میزان.
- ۷- خادم‌ازغدی، محبوبه (۱۳۹۰) حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین در حقوق مدنی ایران و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق.